گزارش

بی‌میلی دولت اوباما به ارائه گزارش صریح در مورد افغانستان

یک ماه پس از آنکه دولت باراک اوباما بازنگری استراتژی خود را در مورد جنگ افغانستان اعلام کرد، آشکار شده است که تمایل اندکی برای تغییر آنچه به طور فزاینده شبیه ناکامی است، وجود دارد.

به گزارش ایسنا، نشریه فارین پالیسی در تحلیلی در این زمینه آورده است: همزمان با پایان سال گذشته، اکثر مفسران در ارزیابی‌هایشان در مورد امنیت در افغانستان بدبین بودند. نیک لی مدیر یک موسسه غیردولتی، در این رابطه گفت: بدون چون و چرا این نظر ماست که شرایط در افغانستان بسیار ناامن‌تر از شرایط سال ۲۰۰۹ بوده است. اما افرادی که ظاهراً مهم هستند- آنهایی که در بازنگری جنگ افغانستان در دولت اوباما فعالیت می‌کنند- دیدگاه متفاوتی دارند. در آخرین گزارش در تاریخ ۱۶ دسامبر، این موضوع اعلام شد که نیروهای ناتو در افغانستان در ماموریت‌شان موفق بوده‌اند و به اجرای طرح‌های فعلی‌شان ادامه خواهند داد.

سفر اخیر جو بایدن معاون اوباما به افغانستان نیز با هدف تایید این تصمیم بوده است. در حالی که در این گزارش به تزلزل و تغییرپذیر بودن این دستاوردها اعتراف می‌شود، به این موضوع اذعان نشده که این طرح به طور گسترده‌ای به شرایط سیاسی و نظامی که به سرعت در حال از دست دادن تمامی اعتبارش است، بستگی دارد. یک استراتژی موفقیت‌آمیز باید به جای بی‌توجهی به شک و شبهات درباره ماموریت فعلی نیروهای ایساف، به آن اعتراف کند. گزارشی موفق خوانده می‌شود که در آن اذعان شود همچنان شک و تردیدها و نگرانی‌هایی وجود دارد، نه آنکه نسبت به آنها بی‌توجهی نشان داده شود. در استراتژی دولت اوباما وانمود شده است که ناتو در شرایطی قرار دارد که به صورت بنیادین طالبان را از لحاظ نظامی متلاشی می‌کند؛ به حدی که نیروهای امنیتی افغانستان می‌توانند به تنهایی از پس طالبان برآیند. اما مادامی که طالبان در پاکستان پناهگاه دارند، می‌توانند این را انتخاب کنند که چه زمانی مبارزه کنند یا چه تعداد تلفات وارد کنند.

کاخ سفید اعتراف کرد از بین بردن پناهگاه امن افراطیون به همکاری گسترده‌تر با پاکستان در مرز افغانستان نیاز دارد. اما دولت اوباما به این موضوع اشاره نکرده که چگونه تصمیم گرفته در چهار سال آینده برای متقاعد کردن پاکستانی‌ها در تغییر ارزیابی‌های

استراتژیک‌شان پس از ۹ سال ناکامی‌های مکرر، عمل کند.

در میان مقامات ارشد پاکستان این اعتقاد وجود دارد که هند تهدید بالقوه طولانی‌مدت علیه اسلام‌آباد است. پاکستان روابط طولانی‌مدتی با طالبان افغانستان داشته است، به ویژه شبکه حقانی تا به این وسیله نفوذی استراتژیک در افغانستان علیه رقیبش (هند) در جنوب به دست آورد.

سفر اخیر بایدن به پاکستان نیز جزء سفرهای دوره‌ای مقامات ارشد امریکا به پاکستان بوده است. تعهد جدید امریکا به دولت حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان، برای پاکستان دلیلی برای تغییر اهداف یا اقدامات استراتژیک محسوب نمی‌شود. دولت امریکا همچنین این احتمال را زیر نظر دارد که حتی اگر پاکستان تصمیم بگیرد مرز پرتنش خود را با افغانستان کنترل کند، ممکن است از توانایی کافی برخوردار نباشد. اقدامات پیشین قدرت‌های خارجی برای بستن این مرزها ناکام بوده است. اقدامات شوروی سابق در افغانستان ناکام ماند، چون امریکا توانسته به شبه‌نظامیان کمک کند تا به این وسیله به مناطق مرزی بروند.

مقامات ارشد پاکستان از این موضوع شکایت کرده‌اند که به رغم درخواست اسلام‌آباد در مورد اینکه امریکا از عبور شبه‌نظامیان از مرز افغانستان به پاکستان جلوگیری کند، شبه‌نظامیان پاکستان مکرراً از افغانستان به پناهگاه‌هایشان در پاکستان بازمی‌گردند. فرماندهان امریکایی نیز به وجود مشکلات در کنترل مرز افغانستان و پاکستان اذعان کرده‌اند. تمایل محدود نیروهای امنیتی برای استقرار در این مناطق نیز یک مشکل بزرگ‌تر محسوب می‌شود. اگر چه پاکستان عملیات‌های گسترده‌ای را در وزیرستان جنوبی انجام داد، اما به صورت علنی اعلام کرده هنوز آماده انجام عملیات در وزیرستان شمالی نیست.

دولت امریکا همچنین به این موضوع اعتراف کرده که اهداف نظامی‌اش باید از طریق استراتژی‌های موثر امور توسعه حاصل شوند. اما حقیقت این است که لازمه توسعه اقتصادی ایجاد امنیت است. تا زمانی‌که پاکستان عملیات نظامی گسترده برای امنیت وزیرستان شمالی انجام ندهد، توسعه اقتصادی حاصل نخواهد شد. طرح ناتو نیز به دولت کرزی در گسترش توانایی بهبود شرایط اداره کشور بستگی دارد، اما نشانه‌های اندکی وجود دارد که نشان بدهد عملکرد دولت کرزی بهبود یافته است. کرزی همچنان به طور فعالانه در برابر اقدامات ایساف برای تحت پیگرد قانونی قرار دادن مقامات فاسد مقاومت می‌کند.

حتی اگر خود کرزی هم بخواهد، بعید است که دولت افغانستان بتواند توانایی و ظرفیت دسترسی به تمامی مناطق افغانستان را تا پایان سال ۲۰۱۴ داشته باشد. موضوع مهم دیگر در مورد فعالیت نیروهای امنیتی افغانستان، آموزش آنهاست. امریکا از سال ۲۰۰۳ مشغول آموزش ارتش ملی افغانستان بوده و اعتراف کرده که نسبت به آینده این ارتش در آینده امید زیادی دارد، اما در این راستا نیز شک و تردیدهای بسیاری وجود دارد.

در ماه اکتبر ناتو حمله گسترده خود را برای پاکسازی منطقه پنجوی آغاز کرد، اما در این حمله مهم هیچ یک از نیروهای ارتش ملی افغانستان که تحت آموزش بودند شرکت نکردند. متاسفانه به نظر می‌رسد دولت اوباما تمایل کمتری به ارائه یک ارزیابی صریح و بی‌پرده دارد.

گفت‌وگو با یوکیا آمانو

از تکرار فاجعه هیروشیما جلوگیری می‌کنم

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

«یوکیا آمانو» دبیرکل ۶۳ساله و ژاپنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از چندین دهه پیش به عنوان کارشناس در عرصه منع و گسترش سلاح‌های اتمی فعالیت داشته است. این حقوقدان از سال ۲۰۰۵ به عنوان نماینده ژاپن در مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین مشغول به کار شد و در سال ۲۰۰۹ پست ریاست این نهاد را از محمد البرادعی مصری تحویل گرفت. آمانو در این گفت‌وگو در مورد ایران، تهدیدهای کره شمالی و از امیدهایش به کمک‌های مالی آلمان و دیگر کشورهای عضو آژانس می‌گوید.

– آقای دبیرکل، در اسناد منتشرشده توسط ویکی‌لیکس می‌خوانیم که دیپلمات‌های امریکایی در وین از انتخاب شما به دبیرکلی آژانس به عنوان یک «پیروزی» برای خود و «تقویت نفوذ ما در آژانس» یاد می‌کنند. آیا چنین تعبیرهایی برای شما خوشایند بود؟

انتخاب من آن هم به اتفاق آرا یک پیروزی برای همه اعضا به شمار می‌آمد. اما اشکالی هم ندارد اگر امریکایی‌ها بخواهند انتخاب من را در جهت منافع خود بدانند. وظیفه من حمایت از منافع همه اعضای آژانس است، حال می‌خواهد چین باشد یا روسیه و نیجریه.

– و همین طور ایران؟

طبیعتاً تا زمانی که مساله بر سر استفاده غیرنظامی از انرژی هسته‌ای باشد و تلاش تهران در خدمت اهداف صلح‌آمیز باشد، از منافع ایران هم حمایت می‌کنم.

– ملاقات‌ها میان مذاکره‌کنندگان ایران و نمایندگان جامعه جهانی در اوایل دسامبر در ژنو چندان دلگرم‌کننده نبود و به غیر از توافق در مورد مذاکرات بعدی دستاوردی نداشت.

ما برای بستن حفره‌های بی‌اعتمادی باید به یکدیگر نزدیک شویم. به همین خاطر هر گامی از اهمیت برخوردار است. اگر از طریق گفت‌وگوهای ژنو بتوانیم برای مشکلات مربوط به رآکتور تحقیقاتی راه‌حلی پیدا کنیم شاید بتوانیم به دیگر موارد اختلاف هم بپردازیم.

– در این میان ایرانی‌ها با وجود اعمال چهار مرحله تحریم از سوی شورای امنیت سازمان ملل توانسته‌اند اورانیوم را از ۳/۵ درصد تا ۲۰ درصد برای استفاده در رآکتور تحقیقاتی غنی‌سازی کنند.

بله، آنها به‌رغم همه تحریم‌های سازمان ملل این کار را انجام می‌دهند. ایران در حال حاضر بیش از ۳۱۰۳ کیلوگرم اورانیوم با غلظت پایین و ۳۳ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با غلظت بالا در اختیار دارد. اما حداقل این دو مورد تحت نظارت و کنترل آژانس قرار دارد.

– اما شما هنوز سفری به تهران نداشته‌اید.

من با کمال میل به تهران سفر می‌کنم و البته نه فقط برای آنکه در آنجا سلام و احوالپرسی کنم. برای این دیدار باید دلیل خوبی وجود داشته باشد. اگر به تهران بروم می‌خواهم پیشرفت‌ها را از نزدیک مشاهده کنم.

– اسرائیلی‌ها در سپتامبر ۲۰۰۷ نشان دادند که از یک حمله نظامی ابایی ندارند. در آن زمان اسرائیل یک مجتمع اتمی در سوریه را بمباران کرد. اسرائیلی‌ها ادعا می‌کنند که در آن مجتمع پلوتونیوم تولید می‌شده است. اما شما اصلاً اطلاعاتی در مورد طرح‌های هسته‌ای پرزیدنت بشار اسد در اختیار دارید؟

سوریه به بازرسان ما اجازه نمی‌دهد که برای بررسی و بازرسی محل از نزدیک به آن کشور بروند. من در ماه نوامبر نامه‌ای برای وزیر امور خارجه سوریه ارسال کردم و طی آن متذکر شدم که آن کشور باید در این مورد همکاری کند. ما در این مورد هم نیازمند گام‌هایی رو به جلو هستیم. اما در رابطه با سوریه یک مشکل دوم هم داریم؛ رآکتور تحقیقاتی واقع در دمشق تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دارد و ما به صورت مرتب آن را مورد بازرسی قرار می‌دهیم. با این حال در آنجا آثاری از اورانیوم یافت شد که خاستگاه آن برای ما مشخص نیست و در این مورد هم خواهان اطلاعات بیشتری هستیم. البته تا به امروز توضیحاتی ارائه شده است اما این توضیحات برای ما کافی نیست. حتی اگر تنها چند گرم اورانیوم باشد هم ما باید بفهمیم که از کجا آمده و با چه هدفی در آنجاست.

– شما پنجمین دبیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و اولین آسیایی هستید که از زمان افتتاح آژانس در سال ۱۹۵۷ این سمت را عهده‌دار بوده است. زمانی در وزارت امور خارجه ژاپن به عنوان کارشناس امور کره شمالی کار می‌کردید و حال از شما می‌پرسیم که دیکتاتور کیم جونگ ایل تا چه اندازه خطرناک است؟

کره شمالی یک مورد بسیار جدی به شمار می‌آید. من خودم زاده همان منطقه هستم. پیونگ‌یانگ سلاح‌های اتمی در اختیار دارد و تا به حال دو بار در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ به صورت علنی بمب‌هایی را آزمایش کرده است. هیچ کارشناسی از طرف آژانس در آن کشور حضور ندارد. از زمان اخراج افراد ما در بهار سال ۲۰۰۹، هیچ اطلاعات مستقیمی از آنجا در دست نیست.

– برآورد شما از تعداد بمب‌های اتمی موجود در زرادخانه کره شمالی چیست؟ شش بمب یا دوازده یا بیشتر؟

وظیفه من نظارت بر برنامه‌های اتمی است، با این شرط که به ما اجازه حضور در کشور مورد نظر داده شود. پیونگ یانگ در این مورد آمادگی ندارد و من هم نمی‌توانم بر پایه فرض و گمان اظهارنظر کنم.

– آیا این خودداری شما به این دلیل هم هست که اطلاعات بسیار کمی در این مورد دارید؟ آژانس شما بر پایه همکاری اعضایش کار می‌کند و این اعضا گاه به شدت در جهت منافع خود عمل می‌کنند.

همکاری اعضای آژانس بزرگ‌ترین تکیه‌گاه ما به شمار می‌آید اما طبیعتاً من می‌خواهم امکانات بیشتری در اختیار داشته باشم. ما نیاز به امکانات نظارتی و ارتباطی بهتری داریم اما این به مشکل پول ارتباط دارد. مساله این است که کار ما چه ارزشی برای یک کشور دارد؟

– دولت فدرال آلمان با پرداخت سالیانه نزدیک به ۳۰ میلیون یورو به آژانس سهم زیادی در این مورد دارد و پس از ایالات متحده امریکا و ژاپن بزرگ‌ترین حامی مالی این نهاد به شمار می‌آید. اما برلین نمی‌خواهد بیشتر از این بپردازد.

من بسیار به این مساله امیدوارم که آلمان و همین طور دیگر کشورها با یک افزایش متعارف در این ارقام موافقت کنند زیرا ما به غیر از نظارت بر برنامه‌های اتمی وظایف بی‌شمار دیگری نیز داریم. حوزه گسترده‌ای به نام پزشکی هسته‌ای از جمله وظایف ماست و این کار امری است که برای زندگی بسیار مهم محسوب می‌شود. پول شما نزد ما به خوبی سرمایه‌گذاری می‌شود.

– شاید در آینده در کمال ناچاری شاهد آن باشید که سلاح‌های اتمی پاکستان در اختیار طالبان قرار گرفته است. آیا در صورت آنکه بنیادگرایان موفق به دسترسی به سلاح‌های اتمی بشوند یک فاجعه اتمی دیگر پیش نمی‌آید؟

من اهل کشوری هستم که دو بار بمب اتمی به سوی آن پرتاب شده است. برای اجتناب از تکرار فاجعه هیروشیما و ناکازاکی آنچه در توان دارم انجام خواهم داد. به همین خاطر به شدت مراقب خواهم بود.

منبع: اشپیگل

اژدهای زرد در نقش ناجی بحران اروپایی

اردشیر زارعی‌قنواتی

جمهوری خلق چین طی سال‌های اخیر در صدر خبرها و کانون تحولات بین‌المللی بوده است. نقش این کشور در چینش‌های ژئوپولتیک، تثبیت جایگاه منطقه‌ای، ادامه رشد جهشی بالای ۹ درصد در شرایط رکود اقتصادی غرب، ارتقا به سطح دومین اقتصاد جهان، به رسمیت شناختن جایگاه این کشور در تصمیم‌گیری‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، بازیگر اول در مناسبات با آفریقا، ارائه الگو و هژمونی اقتصادی در قاره کهن، حضور اکتیو در امریکای لاتین، ذخایر ارزی ۲۶۰۰ میلیارد دلاری و سریالی از داده‌های دیگر آماری نشان می‌دهد به چین باید فراتر از موقعیت کنونی نگریست. حاشیه‌های سفر «لی ککیانگ» معاون نخست‌وزیر چین به اسپانیا با توجه به اظهارات این مقام ارشد در خصوص کمک‌های کلان ارزی به کشورهای درگیر بحران اقتصادی اروپایی طی چند روز گذشته بسیار بااهمیت تلقی شده است. آقای لی در آستانه این سفر با درج مقاله‌ای در روزنامه معتبر «ال پائیس» نوشته است: «چین به عنوان سرمایه‌گذار مسوول، خواهان جلب اعتماد بازارهای مالی در اسپانیا و اروپا به طور بلندمدت است.» وی ضمن اشاره به این موضوع که پکن آماده کمک به کشورهای بحران‌زده اسپانیا، یونان و پرتغال است، می‌افزاید: «چین دست به خرید اوراق بهادار و قرضه دولتی اسپانیا زده است و از این پس نیز با توان بیشتری این کار را ادامه می‌دهد و امکانات زیادی را در اختیار این کشور قرار خواهد داد.» بسیاری از تحلیلگران و کارشناسان اقدام جدید پکن برای کمک به حوزه‌های بحرانی اروپا را با طرح بزرگ «مارشال» که توسط امریکا بعد از جنگ جهانی اول انجام شد، مقایسه می‌کنند. قبلاً نیز در جریان بحران مالی جهانی چین با تزریق صدها میلیارد دلار به بازار داخلی برای ترغیب مصرف و خرید اوراق قرضه بانک مرکزی امریکا و اروپا در نقش منجی بزرگ وارد شد و تحسین جهان را برانگیخت. این در حالی بود که اقتصاد چین در جریان بحران بزرگ مالی سال ۲۰۰۸ وارد دوران رکود نشد و در بدبینانه‌ترین تخمین‌ها همچنان از رشد بالای پنج درصد برخوردار بود. سیاست انبساط مالی چین و خودداری این کشور از فروش سهام و اوراق قرضه در حال نزول امریکایی- اروپایی در جریان بحران مالی نشان از مسوولیت‌پذیری آنان دارد و ایفای نقش موتور محرکه جهت بالانس اقتصاد ورشکسته جهانی، مورد اذعان حتی رقبای این کشور قرار گرفت، چنانچه «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری امریکا طی یک پیام رسمی از پکن تشکر کرد. شرایط اعطای وام از سوی چین به کشورهای بحران‌زده برخلاف ذات وام‌های صندوق بین‌المللی پول که در ازای کسب امتیازات تحمیلی به کشورهای هدف انجام می‌گیرد، توسط آنان تنها با یک تعهد مبنی بر بازپرداخت به موقع اعطا می‌شود. دست گشاده چینی‌ها برای کمک به حلقه‌های بحران و کشورهای آسیب‌دیده به لحاظ اقتصادی بدون هیچ پیش شرطی، این کشور را در موقعیتی قرار داده است که در شرایط کنونی تقریباً هیچ قدرت اقتصادی دیگری را یارای رقابت با آنان نیست. ذات «پذیرندگی» در حوزه سیاست و اقتصاد یک اصل خدشه‌ناپذیر است که تقابل با آن ممکن نبوده یا حداقل مستلزم هرز هزینه خواهد بود. هم‌اکنون چین برای بسط مناسبات خود با محیط بیرونی به مرحله پذیرندگی حتی از سوی رقبای درجه یک خود رسیده است و به همین دلیل خط ترانزیتی پکن- جهان بسیار پرتردد بوده و استقبال از «چین مارشالی» مورد توجه است. بر اساس آمارهای معتبر هم‌اکنون چین به سطح دومین قدرت اقتصاد جهانی رسیده است و تخمین رشد حدود ۱۰ درصد برای این کشور در سال ۲۰۱۱ میلادی تضمین‌کننده این موقعیت ممتاز است. آمارها گویای این واقعیت هستند که این کشور در سال‌های اخیر به اولین بازار مصرف و واردکننده انرژی در جهان تبدیل شده است و در زمینه صادرات با پشت سر گذاشتن آلمان به تنهایی در صدر ایستاده است. در گزارش روزنامه اشپیگل در اولین شماره سال ۲۰۱۱ خود، چین هم‌اینک به بزرگ‌ترین شریک اقتصادی آفریقا تبدیل شده است و با سرمایه‌گذاری بالای ۵۶ میلیارد دلاری و حضور یک میلیون چینی متخصص و تولیدگر در این قاره رشد پنج درصدی آفریقا را میسر کرده است. در همین گزارش آمده است اژدهای زرد به واسطه انباشت قدرت و ثروت و همچنین احتیاج فزاینده به مواد خام جهت تداوم رشد اقتصادی خود بیشترین حجم سرمایه‌گذاری را در صنایع نفت و گاز نیجریه و آنگولا، مس زامبیا، معادن کبالت کنگو و صنایع چوب اکثر کشورهای آفریقایی انجام داده است. رشد اقتصادی و حضور فعال در بازارهای جهانی در چهارگوشه دنیا همزمان با رشد تکنولوژی‌های نوین هم بوده است، چنانچه به تازگی چین موفق به ساخت بزرگ‌ترین ابررایانه جهان شده است. همین دستاوردهای اقتصادی و تکنولوژیک چین است که برای اولین‌بار مجله معروف امریکایی «فوربس» را وامی‌دارد تا از «هو جین تائو» رئیس‌جمهوری چین به عنوان «قدرتمندترین مرد روی کره زمین» نام ببرد. نوع مناسبات سیاسی- اقتصادی چین با جهان خارج که از منطق عدم‌دخالت در امور داخلی دیگران بهره می‌برد در حالی که موجب سهولت در بسط مناسبات با جهان کنونی شده است اما در مقابل انتقاد فعالان حقوق بشری و تا حدود زیادی بورژوازی ملی در این کشورها را برانگیخته است. فعالان حقوق بشر با استناد به ساخت سیاسی تک‌حزبی در چین معتقدند این کشور با عدم‌توجه به نقض حقوق بشر در کشورهای طرف معامله موجبات تداوم این رویه را در چنین کشورهایی فراهم می‌کند. هرچند تجربه تاریخی در مناسبات بین‌المللی نشان می‌دهد حتی دموکراسی لیبرال‌غربی نیز برای گسترش مناسبات اقتصادی با جهان پیرامونی چندان به این موضوع توجه لازم را نمی‌کند. پکن و حامیان تفکر عدم‌مداخله در امور داخلی دیگران با مثال آوردن از مناسبات بسیار نزدیک واشنگتن- بروکسل با کشورهای سنتی و غیردموکراتیک عربی، دیکتاتوری‌های نظامی در دهه‌های گذشته در امریکای لاتین و آفریقا، واقعیت حوزه اقتصاد را فراتر از هیاهوهای سیاسی و ژست‌های حقوق بشری می‌دانند. از طرف دیگر هجوم کالاهای مصرفی چینی به بازار کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی لاجرم به ورشکستگی صنایع داخلی عقب‌افتاده این کشورها که توان رقابت با کالای ارزان چینی را ندارند، منجر می‌شود. این موضوع دقیقاً ناشی از همان پارادوکسی است که حین جهش و رونق اقتصادی در چین، روح مندرج در ساخت سوسیالیستی این کشور را در یک چالش هویتی قرار می‌دهد. این پارادوکس هویتی هم نشات‌گرفته از تلفیق مکانیسم بازار با ساخت سوسیالیستی موجود است که تا حدودی موجودیت یک «امپریالیسم نرم» را در ساخت پایه نظام سیاسی این کشور موجب شده است. این چالش هویتی در درون جامعه ملی چین نیز نشانه‌های خود را بروز داده است و هم‌اکنون طبقه سرمایه‌داری نسبتاً کوچک با گرایشات الیگارشی مالی در مقابل طبقه کارگری و دهقانی این کشور معضل بزرگی را برای حزب کمونیست چین به عنوان قدرت رهبری‌کننده کشور ایجاد کرده است. همچنین فراهم شدن موقعیت کمی و کیفی برای ظهور طبقه متوسط در چین موجب بسط مطالبات جدیدی در قالب دستیابی به حقوق لیبرال‌دموکراسی می‌شود که در آینده در صورت عدم پاسخگویی مطلوب به آن، می‌تواند ساخت سیاسی این کشور را با یک دوگانگی هویتی مواجه کند. چین در جهان امروز یک واقعیت عینی از قدرت اقتصادی است که توان پیشروی به عمق استراتژیک رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی خود را خواهد داشت. ورود این کشور به کانون‌های بحران در اروپا به شیوه‌ای که مورد استقبال جدی نیز قرار بگیرد، نشان‌دهنده تحمیل‌پذیرندگی یک قدرت هژمونیک توسط ساخت رقیب به حساب می‌آید. در شرایطی که اقتصادهای برتر اروپایی- امریکایی خود درگیر چالش‌های درونی به جهت رکود اقتصادی هستند به ناچار حضور قدرتمند چین برای کمک به اقتصادهای درجه دو اروپایی، جایگاه ویژه‌ای به این کشور می‌دهد که حداقل در شرایط فعلی پشت کردن به آن شدنی نخواهد بود. بحران یونان و ایرلند در سال گذشته میلادی نشان داد حوزه یورو تا چه اندازه در شرایط یک بحران عینی می‌تواند آسیب‌پذیر باشد و به جهت ذات سودمندگرایی و فرادستی بخش خصوصی در حوزه اقتصاد، امدادرسانی تنها در موقعیت اورژانسی و با شروط خاصی اعمال می‌شود. داستان دنباله‌دار برنامه‌های ریاضت اقتصادی در حوزه اروپا که موجب بروز ناآرامی و بی‌ثباتی‌های اجتماعی در یونان و بسیاری از این کشورها شده است، به یقین نتیجه ارتباط ارگانیکی شروط نهادهای مسوول اتحادیه‌ای برای کاهش کسری بودجه کشورهای در حال بحران، در وضعیت عدم هارمونی سطح اقتصادی بین این کشورها بوده است. حال در چنین شرایطی چین به عنوان یک بازیگر بزرگ و قدرت غیرقابل انکار که مولفه‌های قدرت و ابزار استفاده از آن را دارد با دست گشاده و بدون پیش شرط‌های درون‌اتحادیه‌ای وارد این بازی می‌شود. با توجه به برآوردهایی که از سوی موسسه‌های مالی اروپایی انجام گرفته شده است، گفته می‌شود حجم اقتصاد اسپانیا حدود ۱۰ برابر حجم اقتصاد ایرلند است که چنانچه به چرخه بحران مالی وارد شود، می‌تواند حوزه یورو را با فروپاشی روبه‌رو کند. تازه اینکه پرتغال و ایتالیا نیز در نوبت بحران اقتصادی به صف ایستاده‌اند و همین موضوع آینده یورو را در پرده‌ای از ابهام قرار داده است. در چنین وضعیتی چین به عنوان یک بازیگر توانا به سراغ اسپانیا و دیگر کشتی‌نشینان در این دریای پرتلاطم می‌آید و به صراحت اعلام می‌کند خزانه غنی خود را به روی توفان‌زدگان باز می‌کند. این شرایط برای هر دو طرف، یک معامله مطلوب به حساب آمده و از یک سو بحران‌زدگان را به آینده اقتصادی خود امیدوار می‌کند و از دیگر سو مهمان تازه‌وارد را بر جایگاه ویژه می‌نشاند. حضور فعال پکن در عمق اروپایی هر چند مستلزم پرداخت هزینه ریسکی در شرایط بحرانی کشورهای هدف تلقی می‌شود اما با توجه به قدرت جبران و پوشش چینی و همچنین احتیاج اژدهای زرد به بازارهای جدید در تداوم رونق اقتصاد جهانی، یک بازی برد- برد برای هر دو طرف خواهد بود. چین در موقعیت فعلی تا حدود زیادی به وضعیت امریکای پس از جنگ جهانی دوم شباهت دارد و طرح مشابه مارشال چینی برای بحران اروپایی می‌تواند زمینه‌ساز ابرقدرتی این کشور در دهه‌های آتی باشد و پکن را در مسند یک «آقا» در اروپا و جهان قرار دهد.

گزارش

شورش جوانان در تونس نوید دموکراسی

گروه بین‌الملل: تا مدت‌ها همه گمان می‌کردند الجزایر تنها کشور مغربی است که جوانانش هرازگاهی بر ضد رژیم حاکم سر به شورش برمی‌دارند. اما اعتراضات و تظاهراتی که طی هفته‌های گذشته در تونس جریان داشت و سرانجام منجر به فرار رئیس‌جمهور تونس از این کشور شد همه تحلیلگران سیاسی و اجتماعی را حیرت‌زده کرده است. شورش جوانان در پی مرگ جوانی به نام محمد بوعزیزی آغاز شد که زیر فشار ماموران دولتی دست به خودکشی زده بود. این جوان دیپلمه در منطقه سیدی بوزید واقع در مرکز غربی کشور در ۲۶۰کیلومتری شهر تونس فروشنده دوره‌گرد میوه و حبوبات بود، ولی پلیس و ماموران دولتی او را مانند بسیاری از پیشه‌وران این کشور به سبب آنکه مجوز دولتی نداشت زیر فشار گذاشته بودند و گاه از او اخاذی می‌کردند. بر اثر این سیاهکاری‌ها بوده که جوان درمانده سرانجام خود را آتش زده بود. شورش جوانان از این منطقه پس از پخش خبر درگذشت این جوان دستفروش دیپلمه آغاز شد و خیلی زود چندین شهر تونس را درنوردید و بی‌درنگ پایتخت تونس را نیز دربرگرفت. رژیم بن‌علی تاکنون با سرکوب بی‌رحمانه به این شورش حق‌طلبانه پاسخ داده است. ده‌ها تن در رویارویی با نیروهای مسلح رژیم تاکنون جان باخته‌اند. این شورش خودانگیخته رفته‌رفته واقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور تونس را بر همگان آشکار می‌کند. رژیم یکه‌تاز بن‌علی که بیش از دو دهه است زمام امور این کشور را در دست دارد، فعالیت‌های عمده اقتصادی و اهرم‌های حیاتی کشور را به گروهی از صاحب‌امتیازان و نزدیکان خود سپرده و برخلاف آنچه تاکنون در کشورهای غربی تبلیغ کرده است توده مردم تونس از به‌اصطلاح «معجزه اقتصادی» این کشور بهره‌ای نبرده است. فقر و بیکاری در شهرها و روستاها بیداد می‌کند و افزون بر این، مردم قربانی زورگویی و اخاذی ماموران دولتی نیز هستند. جنبش کنونی جوانان تونس با شعار برابری، کار و احترام به شرف انسانی، همه تحلیلگران سیاسی و اجتماعی را حیرت‌زده کرد. در صف نخست جنبش، جوانان تحصیلکرده تونسی قرار داشتند. مردم تهیدست شهری نیز از این جنبش فعالانه و آشکارا حمایت می‌کردند. روشنفکران مغربی در همه جای جهان به دفاع از این جنبش حق‌طلبانه برخاستند و از دولت‌های غربی خواستند از هرگونه پشتیبانی از رژیم خودکامه بن‌علی دست بردارند. مردم بسیاری از کشورهای عربی از سرنگونی حکومت «زین‌العابدین بن علی» رئیس‌جمهوری تونس ابراز خوشحالی کرده و تظاهرات‌هایی را در حمایت از مردم این کشور برگزار کردند. آنها امیدوارند این رویداد

در کشور آنان که از نبود آزادی‌های مدنی و سرکوب شدید رنج می‌برند، نیز رخ دهد. کارشناسان سیاسی بر این باورند که انقلاب مردمی تونس برای بسیاری از ملت‌های عرب و از جمله مصر که به‌دنبال تغییر و اصلاحات هستند، تبدیل به الگو شده است. این کارشناسان به رژیم حاکم بر مصر هشدار دادند از وضعیت تونس درس عبرت بگیرد و اقدام به تشکیل دولت وحدت ملی و گشودن باب گفت‌وگو با مخالفان کند. به‌دنبال فرار بن‌علی از کشور و پناه بردنش به عربستان‌سعودی، ده‌ها تن از مصری‌ها در مقابل سفارت تونس در قاهره دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان مصری ضمن حمایت از مردم تونس و ابراز خوشحالی از سرنگونی حکومت بن علی شعارهایی را علیه «حسنی مبارک» رئیس‌جمهوری مصر سر دادند و خواستار سرنگونی وی همانند بن علی شدند. الجزیره می‌نویسد: «رهبران عرب با نگرانی شدید حوادث تونس را که جوانان، زین‌العابدین بن‌علی مرد قدرتمند این کشور را مجبور به فرار کردند، پیگیری می‌کنند.» برخی کارشناسان بر این باورند که از آنجایی که شرایط بسیاری از کشورهای عربی یکسان است و نظام‌های حاکم بر آنها نظام‌های دیکتاتور هستند، می‌توان انتظار داشت حوادث اروپای شرقی کمونیست که در سال ۱۹۸۹ در این کشورها به‌وقوع پیوست در کشورهای عربی نیز رخ دهد. افزایش میزان بیکاری، بیشتر شدن قشر جوان، بالا رفتن تورم، افزایش شکاف میان فقرا و ثروتمندان در کشورهای عربی عواملی است که نگرانی‌های شدیدی را برانگیخته است. فرار رئیس‌جمهوری تونس به‌نوعی باعث از بین رفتن ترس در ملت‌های عربی نیز شده است که از سرکوب شدید و نبود آزادی‌های مدنی رنج می‌برند. کشور الجزایر اخیراً شاهد تظاهرات گسترده مردمی در اعتراض به گرانی کالاهای اساسی و مواد سوختی بود؛ تظاهراتی که با عقب‌نشینی دولت از تصمیم خود به طور موقت آرام شده است. از سوی دیگر لیبی، مغرب و اردن نیز گام‌هایی را برای کاهش قیمت‌ها برداشته‌اند. در اردن هنوز مردم دست از تظاهرات نکشیده و روز جمعه هزاران اردنی در پایتخت و دیگر شهرهای این کشور دست به تظاهرات زدند و خواستار سقوط دولت «سمیر الرفاعی» نخست‌وزیر این کشور شدند. در این تظاهرات سندیکاهای حرفه‌ای، احزاب چپ‌گرا و مردمی که از فقر و بیکاری رنج می‌برند، شرکت کردند. این در حالی است که صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد میزان بیکاری در منطقه عربی افزایش خواهد یافت و این منطقه نیاز به ایجاد ۱۰۰ میلیون فرصت شغلی تا سال ۲۰۲۰ دارد.

آگهی مزایده
شماره ۳۹-۸۹
شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه

شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه در نظر دارد بهره برداری تعدادی از غرفه های واقع در ایستگاه های مترو را از طریق برگزاری مزایده عمومی به اجاره واگذار نماید .
از اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت می شود به منظور دریافت اوراق مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به یکی از دو روش ذیل اقدام نمایند.
۱- واریز مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری ۳۲۹۰۵۹۷۹۰ بانک تجارت - شعبه مترو (کد ۳۲۹۰) به نام شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه و مراجعه حضوری از ساعت ۹ الی ۱۴ روزهای شنبه مورخ ۸۹/۱۰/۲۵ الی یکشنبه مورخ ۸۹/۱۱/۳ به مدیریت امور قراردادهای این شرکت به نشانی : تهران ، خیابان انقلاب اسلامی ، ضلع جنوب شرقی چهارراه حافظ ، دفتر مرکزی شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه ، طبقه پنجم و ارایه اصل فیش واریزی و خرید اوراق مزایده .
۲- مراجعه به وب سایت متروی تهران به نشانی www.tehranmetro.com و دریافت اسناد مزایده که در این صورت دریافت اوراق مزایده رایگان خواهد بود .
روابط عمومی
شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران و حومه